



بررسی زبانگونه مخفی جوانان در روابط گروهی بر اساس رویکرد همسان سازی

شادی شاه ناصری^۱

چکیده

اکثر پژوهش‌ها در حوزه زبان‌شناسی جنسیت بیانگر آن است که گویشوران یک زبان بر حسب جنسیت از گونه‌های زبانی متفاوتی استفاده می‌کنند که عمده تفاوت زبانگونه‌های جنسیتی در حوزه واژگان زبان، نمود آشکارتری نشان می‌دهد. زنان در مقایسه با گروه مردان با گرایش به گونه معیار زبانی، کم‌تر از واژگان عامیانه، دشواژه‌ها و صورت‌های غیرمعیار استفاده می‌کنند. متغیر سن نیز در راستای تخفیف این تقابل‌ها عملکرد قوی نشان نداده است، اما در جوامع امروزی که در آن نقش‌های اجتماعی دو گروه به هم نزدیک‌تر و به تبع آن تعاملات کلامی نیز افزایش یافته است، بنابر نظریه تجفل* بروز برخی تغییر و تعدیل‌ها در هنجارهای اجتماعی - زبانی این دو گروه اجتناب ناپذیر می‌نماید. از این رو، پژوهش حاضر به منظور دستیابی به الگوی حاکم بر مکالمات درون گروهی و میان گروهی جوانان شهر اصفهان شکل گرفت. داده‌ها از طریق مشارکت در جامعه نمونه در قالب روش پژوهشی میلروی‌ها^۱ جمع‌آوری و در چارچوب نظری تجفل (۱۹۸۴) ارزیابی کیفی شدند. نتایج بیانگر آن بود که روابط درون گروهی در جوانان دختر جامعه نمونه و میان گروهی (دختران و پسران) تفاوت معناداری در بسامد کاربرد زبانگونه مخفی نشان نمی‌دهد و با این که پسران جوان همچنان در تولید واژه‌ها و عبارات واژگانی این گونه زبانی پیش‌تاز هستند، اما بخشی از زبانگونه مخفی جوانان امروز پیرنگ دخترانه دارد که نمود زبانی بیشتر آن در مناسبات کلامی بین گروهی دیده می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد متغیر سن نقش مهم‌تری در مقایسه با متغیر جنسیت در نمود زبانگونه مخفی گروه دختران در روابط درون گروهی و بین گروهی جامعه امروز نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: گونه زبان مخفی، زبانگونه جنسیت، سن، همسان‌سازی، روابط گروهی.

*. H. Tajfel

^۱. L. Milroy and J. Milroy

✉ shadi_shahnaseri@yahoo.com

۱- استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۰۳

مقدمه

رفتار زبانی یکی از جنبه‌های رفتار اجتماعی انسان و بنابراین، تابع ملاک‌ها و اصول کلی هنجارهای اجتماعی است. یکی از تفاوت‌های بارز اجتماعی، تفاوت جنسیتی است که موجب تفاوت در توزیع نقش و پایگاه اجتماعی افراد می‌شود و از این‌رو، نقش مهمی در تنوعات زبانی دارد. به‌طور کلی، گروه زنان صرف‌نظر از متغیر سن نسبت به رفتار زبانی خود بیش از گروه مردان حساسیت دارند و از صورت‌های زبانی جدید و غیرمعیار که با هنجارهای زبانی - اجتماعی معیار فاصله دارد، پرهیز می‌کنند (ترادگیل، ۱۳۷۶).

اما اکنون به‌نظر می‌رسد استفاده از صورت‌های واژگانی معیار در گفتار دختران جوان که نسبت به بیست سال گذشته از تحویلات و مشاغل متنوع‌تری برخوردار شده‌اند و از فن‌آوری‌های نوین ابر شبکه اینترنت و وسایل ارتباط جمعی دیگری مانند تلفن‌های همراه و شبکه‌های مجازی استفاده بیشینه دارند، رنگ باخته است. پژوهش حاضر در پی آن است تا با بررسی نقش دو متغیر جنسیت و سن، میزان نمود زبانگونه مخفی را در روابط درون گروهی دختران جوان و همین‌طور بین گروهی (دختر - پسر) مورد بررسی قرار دهد تا میزان همگرایی گفتار دختران جوان را با زبانگونه جنستی زنان یا واگرایی به سمت زبانگونه مخفی را که نمود بارز گفتار جوانان پسر می‌باشد، ارزیابی کند. از این‌رو، در بخش بعد، مسأله پژوهش بیان می‌شود سپس چارچوب نظری مطرح و روش کار عنوان می‌شود و در ادامه به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخته خواهد شد. نتایج نیز در بخش نتیجه‌گیری ذکر و در انتها فهرست منابع درج می‌شود.

بیان مسأله

زبان‌شناسی اجتماعی یا مطالعه زبان در بافت اجتماعی به بررسی آن دسته از تنوعات زبانی می‌پردازد که عوامل اجتماعی در شکل‌گیری آنها دخیل بوده است. در این حوزه مطالعاتی، زبان آئینه تمام‌نمای تغییر و تحولات اجتماعی فرض می‌شود که هر تغییر اجتماعی به فراخور عمق و شدت آن به درجاتی در زبان منعکس می‌شود (مدرسی، ۱۳۶۷). هر جامعه زبانی متشکل از گروه‌های کوچک و بزرگی است که به درجاتی از هم فاصله یا باهم همپوشی و تعامل دارند، اما هر گروه اجتماعی خرد یا کلان به منظور تثبیت یکپارچگی صیغگانی^۱ و نمود هویت مستقل از هنجارهای متعارف زبانی - فرهنگی گروه خود پیروی می‌کند. یکی از عوامل اجتماعی مهم که در اصل، منشأ بیولوژیکی دارد، سن گویشوران زبان است. میرهوف^۲ (۲۰۰۶: ۱۴۲) در کتاب *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی اجتماعی* می‌آورد: «نسل جوان هر جامعه‌ای با به‌کارگیری الگوهای زبانی غیرمعیار و نشاندار که نمونه اعلی آن در حوزه واژگانی زبان نمود می‌یابد به دنبال تثبیت جایگاه اجتماعی خود با ارائه تعریفی از هویت مستقل، متفاوت و مجزا از گروه بزرگسالان در جامعه است». بی‌جهت نیست که برخی چون سمائی (۱۳۸۲) زبانگونه متداول بین جوانان را با کمی اغراق، زبان مخفی می‌نامند؛ زیرا در این گونه زبانی، هنجارگریزی در صورت و اغلب در معنای عبارات واژگانی و جایگزینی کلمات تیره به لحاظ

1. paradigm uniformity

2. M. Meyerhoff

معنایی با کلماتی که به‌گونه معیار راه یافته است همواره به زبانی دور از دسترس و فهم گروه‌های اجتماعی بزرگسال تبدیل می‌شود و به‌عبارتی برای اکثریت جامعه زبانی مخفی می‌ماند. گونه‌ای که عمدتاً جوانان پسر در تعاملات درون گروهی به نشانه پذیرش در گروه و همبستگی میان اعضای گروه آن را به‌کار می‌برند. مدرسی (۱۳۶۸) در خصوص تأثیر متغیر جنسیت بر زبان عنوان می‌دارد به‌طور کلی، زنان نسبت به رفتار زبانی خود بیش از مردان حساسیت دارند و همین حساسیت باعث شده است تا رفتار زبانی محافظه کارانه‌تری داشته باشند در صورتی که مردان با کاربرد صورت‌های زبانی غیرمعیار که با سبک محاوره‌ای عجین می‌شود تمایل بیشتری به فاصله گرفتن از گونه معیار زبانی نشان می‌دهند. از سوی دیگر، کولماس^۱ (۲۰۰۵) تفاوت گفتار زنان و مردان را ناشی از فشارهای اجتماعی تحمیل شده بر دو جنس زن و مرد عنوان می‌کند و انتظارات متفاوتی را که جامعه از زنان و مردان خود می‌طلبد، در شکل‌گیری زبانگونه جنسیتی^۲ دخیل می‌داند. اما با تحول فن‌آوری و دانش روز و تعامل کلامی- اجتماعی فزاینده دو گروه زن و مرد به‌نظر می‌رسد زبانگونه جنسیتی که تفاوت گونه‌های زبانی و عمدتاً گفتاری در دو جنس را معلول نقش‌پذیری اجتماعی متفاوت این دو گروه می‌داند، با لحاظ متغیر سن در جامعه امروز نیاز به واکاوی دقیق‌تر و عمیق‌تری داشته باشد؛ لذا پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی مستدل برای این پرسش است که در روابط گروهی دختران جوان کدام زبانگونه نمود بارزتری نشان می‌دهد؟ زبانگونه جنسیتی که با لحاظ متغیر جنسیت، گروه دختران را به گروه اجتماعی زنان پیوند می‌دهد و یا زبانگونه مخفی که با لحاظ متغیر سن، هنجارهای زبانی گروه دختران را به سمت همگرایی با هنجارهای غیر متعارف زبانی همسالان جنس مخالف سوق می‌دهد. بنابراین، بهتر است ابتدا گروه و روابط گروهی تبیین شود.

گروه و عضویت

از منظر جامعه‌شناختی، گروه، مجموعه‌ای بیش از یک نفر است که با دیگر اعضا در تعامل بوده و در چارچوب هنجارهای جمعی در پی کسب اهداف جمعی مشترک هستند و احساس هویت مشترک اما مستقل از گروه‌های دیگر، ویژگی ممیزه آنها محسوب می‌شود (شیلینگ^۳، ۲۰۱۳: ۹۳). رومین^۴ (۱۹۸۴) با ارجاع به تحقیقات پیشین، الگوهای نسبتاً متفاوتی از تعاملات کلامی میان گروه‌های دختر و پسر را در جوامع مختلف گزارش می‌دهد اما با گذر زمان و تغییر جوامع زبانی از بسته به باز تأکید می‌کند که تفاوت‌های کلامی کم‌تر و زبانگونه‌های جنسیتی نزدیک‌تر شده‌اند. نوجوانان یک خُرده فرهنگ را شکل می‌دهند که با توسل به رفتارهای اجتماعی- زبانی متفاوت از هنجارهای اجتماعی (هنجارگریزی) غالباً سعی می‌کنند یک هویت مستقل برای گروه خود را نمود بخشیده و تثبیت کنند. شواهد بسیاری حاکی از آن است که بخش اعظمی از

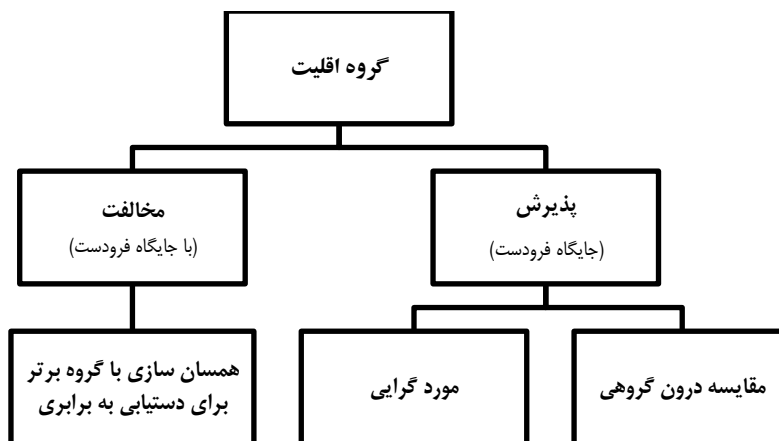
1. F. Coulmas
2. genderlect
3. N. Schilling
4. S. Romaine

فرایند جامعه‌پذیری زبان^۱ در گروه‌های هم‌جنس و هم‌سال شکل می‌گیرد. از این‌رو، رفتار زبانی فرد را نشانگر احساس هویت فردی وی در گروه دانسته و توانایی وی در کاربرد اصطلاحات و واژگان خاص آن گروه را ضامن پذیرش عضویت فرد از سوی دیگر اعضای گروه عنوان می‌کنند (دورانتی، اچس و دیگران^۲، ۲۰۱۲). روابط گروهی به دو دسته درون گروهی^۳ و بین گروهی^۴ تفکیک می‌شود. در نوع اول، ارتباط عمده بین اعضای گروه است که غالباً هم‌سال و هم‌جنس هستند. از این‌رو، این گروه را گروه همسالان می‌نامند. تعلق به هر یک از گروه‌های سنی در فرد گرایش‌هایی را ایجاد می‌کند که او را به گروه خود وابسته و از گروه‌های دیگر جدا کند. رومین (۱۹۸۴: ۱۸۲) از نهادهای آموزشی و فن‌آوری نوین به‌عنوان عوامل مؤثری یاد می‌کند که فرد را وارد شبکه روابط اجتماعی وسیع‌تری می‌کند. از عوامل مهم اجتماعی در الحاق به گروه در وهله اول، جنسیت و سپس سن مطرح می‌شود. کولماس (۲۰۰۵) از دو فشار وارد بر گروه جوانان صحبت می‌کند: نخست، فشار در جهت حفظ انسجام بین اعضای گروه که هدف آن ایجاد مشابهت است و دوم، فشار در جهت کسب هویت مستقل و حفظ تقابل با گروه‌های دیگر که هدف آن ایجاد تمایز است. وارداف^۵ (۲۰۱۰) نیز به کسب هویت در زنان و مردان اشاره می‌کند و با واکاوی نمونه‌های زبان گفتاری، تمایل زنان را به سمت اعتبار آشکار^۶ مطرح می‌کند. اعتبار آشکار در گونه معیار زبان نهفته است گونه‌ای که از نظر منزلت اجتماعی، بالاترین جایگاه را دارد. حال آنکه آقایان ترجیح می‌دهند به‌خصوص در روابط درون گروهی از صورت‌های کم وجهه‌تر که مشخصاً دارای اعتبار پنهان^۷ است، به‌عنوان نشانه همبستگی گروهی و اقتدار جمعی خود استفاده کنند.

بنیان نظری

تجفل (۱۹۸۴) نظریه «روابط بین گروهی و تغییرات اجتماعی» را مطرح کرده است. این نظریه بر مبنای ساختار ذهنی دو گروه در تعامل با یکدیگر پایه‌ریزی شده است که عمدتاً بنابر ملاحظات تاریخی- اجتماعی، یک گروه، جایگاه اجتماعی پایین‌تر، قدرت کم‌تر و تصویر ذهنی کوچک و حقیرانه‌ای از خود دارند (گروه اقلیت^۸) اعضای گروه اقلیت یا جایگاه فرودست خود را می‌پذیرند و هنجارهای اجتماعی- زبانی متعارف با عرف تعریف شده برای گروه خود را نمایان می‌کنند یا به همسان‌سازی زبانی- اجتماعی با گروه فرادست روی می‌آورند.

-
1. language socialization
 2. A. Duranti, E. Ochs et al.
 3. inter-group
 4. Intra group
 5. R. Ward haugh
 6. O hvert prestige
 7. covert prestige
 8. minority group



نمودار ۱. نظریه تجفل (۱۹۸۴) در خصوص روابط بین گروهی و تغییرات اجتماعی

همان‌طور که در نمودار ۱ آمده است، اگر جایگاه خود را بپذیرند یا صرفاً به مقایسه درون گروهی و برتری نسبت به سایر اعضا گروه دل خوش می‌کنند یا به‌عنوان یک فرد جدای از گروه سعی می‌کنند تا توانایی‌ها و شایستگی‌های بالقوه خود را به فعلیت رسانده و تصویری مثبت از شخص خود ارائه کنند. این موارد خاص را موردگرایی^۱ یا همان موارد استثنا عنوان می‌کنند. اما همسان‌سازی^۲، رویکردی است که گروه فرودست آشکارا آشکارا به آن متوسل می‌شود تا با شبیه‌سازی هنجارهای اجتماعی-زبانی به امکانات برابر دست‌یابد و جایگاه نابرابر اجتماعی خود را نفی کند. تجفل (۱۹۸۴: ۱۹۳) شیوه‌های زیر را در جهت همسان‌سازی گفتاری گروه اقلیت (زنان) با گفتار گروه اکثریت (مردان) ارائه می‌کند:

الف) صداگردانی (تقلید صدای مردانه: صدای خشن، بم و کلفت).

ب) استفاده از عبارات واژگانی مردانه، دشواژه‌ها و گرایش به سبک محاوره‌ای در تمام سطوح سبکی.

پ) نشان دادن قطعیت و صراحت در کلام.

ت) موضوع‌گردانی در صحبت به سمت موضوعات مردانه مانند فوتبال، سیاست و تجارت.

ث) استفاده از لحن غیرمعیار در روابط بین گروهی.

یکی از مواردی که تجفل (۱۹۸۴) در همسان‌سازی گفتار بر آن تأکید فراوان می‌کند، مسأله استفاده زنان از واژگان و عبارات زبانی مردانه است که از هنجارهای زبانی‌گونه معیار فاصله دارد. در تحقیق حاضر نیز میزان همسان‌سازی گفتار دختران جوان با زبان‌گونه مخفی پسران مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

1. tokenism
2. assimilation

روش پژوهش

دو گروه آزمودنی جامعه نمونه این پژوهش به شیوه نمونه‌گیری غیرتصادفی^۱ از بین دانشجویان ۱۹ تا ۲۲ سال در دو گروه ۶۰ نفره دختر و پسر انتخاب شدند. از آنجا که هدف پژوهش دستیابی به کاربرد طبیعی زبان جامعه آزمودنی بود، از «روش مشاهده مشارکتی» می‌لروی‌ها (۱۹۸۰) با عنوان شبکه‌های اجتماعی^۲ در جمع‌آوری داده‌های زبانی استفاده شد. در این روش، رفتار زبانی فرد در رابطه با شبکه ارتباطات اجتماعی او مشاهده، بررسی و ارزیابی می‌شود که چون پژوهشگر در جامعه آزمودنی حضور و مشارکت دارد، طبیعی‌ترین داده زبانی را استخراج می‌کند. در این پژوهش، با توجه به حجم نمونه از روش مشاهده مشارکتی در شبکه اجتماعی با تراکم ارتباطی بالا^۳ استفاده شد. به این معنی که تمام افراد جامعه نمونه با یکدیگر آشنایی و ارتباط کلامی داشتند. داده‌ها در دو سطح رابطه درون گروهی در جامعه نمونه دختران و رابطه بین گروهی در تبادلات کلامی گروه دختران و پسران جامعه نمونه گردآوری و دسته‌بندی شد.

توصیف و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در بخش سوم عنوان شد، به اعتقاد تجفل (۱۹۸۴) بارزترین نمود همسان‌سازی زبانی در گروه اقلیت، استفاده از عبارات واژگانی مردانه، دشواژه‌ها و گرایش به سبک محاوره‌ای در گفتار مردانه است که نمونه‌های آن با لحاظ متغیر سن در گروه جوانان پسر جامعه نمونه استفاده از زبانگونه مخفی است. در تعاملات کلامی بین گروهی، استفاده از این زبانگونه هیچ مشکل ارتباطی بر اساس فهم‌پذیری متقابل^۴ برای گروه دختر جامعه نمونه ایجاد نمی‌کرد و آنها به راحتی بحث را به پیش برده و حتی در مواردی به نظر می‌رسید با استفاده بیش از حد از عبارات واژگانی این گونه سعی می‌کنند تسلط خود را بر این گونه زبانی به رخ پسران جامعه آزمودنی بکشند. از مجموعه داده‌های مکالمه بین گروهی به نمونه زیر توجه کنید:

(۱) پسر: فلانی^۵ رو دیدی همش پرت می‌زنه؟ اصن انگاری تو عالم هیپروته بم میگه ف زود بریم دان

میگم شو تیف تعطیله.

دختر: آره هه هه هه هه هه هه. منم گات ایت. طرف، آخراشکولاس. ینی خود خود اف جی اسه. گلابی پیشش

موزه. اندزیگیل وتاولم هسش.

همان‌طور که در نمونه (۱) مشاهده می‌کنید، صحبت در مورد یک همکلاسی پسر است که با توجه به مکالمه فوق به نظر می‌رسد حواس جمعی ندارد و سمج هم هست. سبک در مکالمه دختر و پسر، یکسان و از نوع محاوره‌ای است. اما با لحاظ زبانگونه مخفی، پاسخ دختر به مراتب به لحاظ صورت و معنای زبانی تیره‌تر و به تعبیر سمائی (۱۳۸۲) مخفی‌تر است نا آنجا که نگارنده در مواردی معنای کلمات و عبارات را متوجه

1. non-random sampling
2. social networks
3. high density
4. mutual intelligibility

۵. به خاطر رعایت اصول اخلاقی، نگارنده به جای نام افراد از کلمه «فلانی» استفاده کرده است.

نمی‌شد. در مکالمه بین گروهی دختر و پسر، دختر از فرایند کدآمیزی^۱ که عبارت است از وارد کردن عناصر زبانی از یک زبان به زبان دیگر استفاده کرده در *گات / ایت* به معنای «فهمیدم» که صورت جدید کلمه عامیانه *گرفتم* است در *اند* که به معنای آخر یک ویژگی یا صفت است و بیشتر برای تأکید بر صفات منفی در جامعه نمونه این پژوهش به کار برده شده است. همین‌طور از سرواژه‌سازی در *اف جی / اس* که برگردان صورت کامل آن *فول جواد سیستم* است، یعنی از پرتی که پسر می‌گوید بسیار شدیدتر و تحقیرآمیزتر است. کوتاه‌سازی کلمات در قالب آوردن یک هجا یا حرف اول از دیگر نمونه‌های پر کاربرد در زبانگونه مخفی است که در گفتار پسر در نمونه (۱) آمده است. *ف-* به معنای *فردا* می‌باشد. عبارات واژگانی *پرت*، *هپروت* و *شوت* در گفتار پسر به زبانگونه مخفی تعلق دارد که به اعتقاد سمائی (۱۳۸۲) ریشه بسیاری از این واژگان را می‌توان در گونه محاوره‌ای گفتار نیز دنبال کرد. اما تأکید دختر با کشیدن *ه-* پایانی در آره و تکرار خود در خود خود، *آخر...*، *اشکول*، *اصطلاح گلابی پیشش موزه*، *زیگیل* و *تاول مغایر* با زبانگونه جنسیتی زنان است که به رعایت هنجارهای گونه معیار زبانی به‌خصوص در ارتباطات کلامی بین گروهی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در این نمونه، گفتار دختر در مقایسه با گفتار پسر، به مراتب هنجارگریزتر، افراطی‌تر و به شدت نمایشی است. نمونه‌ای که به خوبی همسان‌سازی گفتار دختر شرکت‌کننده در مکالمه را با زبانگونه مخفی پسران نشان می‌دهد. دختر از هشت نمونه از زبانگونه مخفی استفاده کرده است، در حالی که میزان استفاده پسر شرکت‌کننده در مکالمه از زبانگونه مخفی، پنج کلمه بوده است. به یک نمونه دیگر از مجموع داده‌های مکالمه درون گروهی با این تفاوت که در این نمونه، آغازگر مکالمه، دختر است توجه کنید:

(۲) دختر: *بچا می‌گم امروز درسو پیچونیم. بی کلاچ بی کلاچم. یه آرنولد می‌خوام که مخ استادو تیلیت کنه تا بگه پاشین برین.*

پسر: *ای آقا! ول کنین. این مودیه همونو آخر ترمیلنگ می‌کنه. بعد کی حال منت کشی داره.*
همان‌طور که در نمونه (۲) مشاهده می‌شود دختر خطاب به جمع ۳۰ نفره کلاسشان که ۱۴ نفر آن دانشجوی پسر هستند، بی‌هیچ پروایی از عبارات *پیچونیدن* درس، *بی کلاچ بودن* به معنای اعصاب نداشتن، *آرنولد* به معنای یک پسر قوی هیکل که قیافه ترس‌انداز داشته باشد و *تیلیت کردن* مخ کسی به معنای گولزدن و منحرف کردن فکر شخص دیگری استفاده کرده است. یکی از پسران گروه نیز در پاسخ خانم را *آقا* خطاب کرده و از عبارات *مودی* یعنی *حالی به حالی* و *لنگ کردن* به معنای مشکل درست کردن استفاده کرده است. در نمونه (۲) نیز میزان استفاده از زبانگونه مخفی در گفتار دختر به پسر، نسبت پنج به سه است با توجه به این نکته که نشاننداری این زبانگونه در گفتار دختر با تکرار *بی کلاچ نمود صریح‌تری* دارد و در گفتار پسر نیز *مودی* نمونه‌ای از کد آمیزی تلقی می‌شود.

اما ارتباط کلامی دختران جامعه نمونه پژوهش در سطح روابط کلامی درون گروهی نیز زبانگونه مخفی را نشان می‌دهد. به نمونه (۳) توجه کنید:

1. code mixing
2. end

(۳) دختر: فلانی رو دیدی پُژوراتی سوار میشه؟ همچین قیافه می‌گیره انگاری با لیموزین میاد.

دختر: آرههههههههه. طفلکی توهم زده بذار خوش باشه داللاش.

در نمونه سه که مکالمه در سطح درون گروهی واقع شده، دختری که بحث را آغاز کرده است کلمه پُژوراتی که ترکیبی از سه کلمه پژو، آردی و مازاراتی است را در جهت تحقیر و کوچک شمردن فرد مورد بحث به کار می‌برد. همنشینی این کلمه از زبانگونه مخفی با لیموزین که تداعی کننده قیمت بالای لیموزین و امکان استفاده از آن برای افراد محدودی در سطح بالای اجتماع است، لحن کلام گوینده را گزنده‌تر می‌کند. اما دختری که پاسخ می‌دهد از عبارت توهم زدن استفاده می‌کند که معنای آن به شدت پُژوراتی برای مخاطب بزرگسال فرضی تیره نیست. نکته جالب در این مکالمه که در سطح گروه دختران جوان جریان دارد، اطلاق صورت خطابی داللاش به دختر دیگر است. لازم به ذکر است که نمونه‌های فوق تنها بخش کوچکی از مجموعه داده‌های جمع‌آوری شده است که همسان‌سازی گفتار دختران را با زبانگونه مخفی تأیید می‌کند. این همسان‌سازی در روابط کلامی بین گروهی در گفتار دختران جامعه نمونه آشکارتر و از صراحت بیان بیشتری برخوردار است. در مجموع، تحلیل کیفی داده‌ها بیانگر آن است که دختران با آگاهی از وجهه غیرمعیار زبانگونه مخفی که پیرنگ مردانه دارد با تصحیح افراطی^۱ در استفاده نمایشی از این گونه زبانی در جهت همسان‌نمایی زبان خود با زبان پسران حرکت می‌کنند. یسپرسون (۱۹۶۴) در کتاب زبان: ماهیت، تکوین و منشأ آن، مردان را به سبب آنکه در خط سیر زبان یعنی گونه معیار حرکت نمی‌کنند، در حالی که زنان همواره مقلد هنجارهای گونه معیار زبان به‌شمار می‌روند، مردان را یگانه پیشروان واقعی در بدعت‌گذاری واژگانی و خلق عبارات زبانی جدید برمی‌شمارد اما همسان‌سازی زبانگونه جنسیتی دختران با زبانگونه مخفی در جامعه نمونه این پژوهش به حدی آشکار است که به‌نظر می‌رسد در مواردی دختران جوان، گوی سبقت را از پسران نه فقط در کاربرد زبان مخفی که در وضع صورتهای جدید با پیرنگ دخترانه برده‌اند. به نمونه (۴) که نمونه‌ای از این مورد در روابط درون گروهی می‌باشد، توجه کنید:

(۴) پسر: آخی! خوفی؟ عجیجمی. خودتم می‌دونی چاکرخاتیم فقط انقدر گرفتار بودم که سایمم نمی‌دیدم. رسیدی خونه/اس بزن.

پسر: خب بی‌خی. فک کنم فشارم افتاده اگه مردی بگیرش حالا بگو بینم اجولات مجولات داری بدی. همان‌طور که در نمونه (۴) مشاهده می‌کنید، آغازگر مکالمه با کاربرد چاکرخاتیم به معنای چاکر، مخلص و نوکرتیم، سایمم نمی‌دیدم و کوتاه‌سازی اس ام اس به اس، گفتاری از زبانگونه مردانه را به نمایش می‌گذارد. پسر بیمار نیز آگاهی خود را از زبانگونه مخفی با آوردن بی‌خی به معنای بی‌خیال و تشبیه فشار خون به وزنه سنگین نشان می‌دهد، اما در هر دو پاره گفت، کلمات آخی، خوفی، عجیجم و اجولات مجولات از گفتار دختران جوان به زبانگونه مخفی راه پیدا کرده است که دو پسر شرکت کننده در مکالمه به‌راحتی آنها را به کار می‌برند؛ گویی که بخشی از واژگان قدیمی زبان مخفی مردانه بوده است. باید پذیرفت که کلمات فوق در نمونه (۴) بیش از آنکه کلمات بدیع و جدیدی باشند، صورتهای دست‌کاری شده در سطح آوایی هستند، اما

1. over correction

استعمال بی‌نشان آنها در گروه جوانان پسر، خبر از تحولی می‌دهد که دختران نیز با همسان‌سازی زبانگونه‌ای به سمت ساخت کلمه در زبانگونه مخفی پیش می‌روند.

نتیجه‌گیری

ارزیابی داده‌های مکالمه - بنیاد این پژوهش بیانگر آن است که دختران آزمودنی در مکالمات درون‌گروهی و بین‌گروهی جامعه نمونه از زبانگونه مخفی - با انحراف از گونه معیار زبانی که فاقد اعتبار آشکار است - در جهت همسان‌سازی با اولویت‌های گفتار مردانه در سطح عبارات واژگانی و موضوعات مورد علاقه برای بحث در زبانگونه مخفی مردان سعی در ارتقای جایگاه اجتماعی خود دارند و کوتاه‌ترین راه ممکن را در همسان‌سازی زبانگونه جنسیتی خود با زبان مخفی مردانه می‌بینند. اما در نهایت با ملاحظات جامعه‌شناختی چنین امری میسر نخواهد شد، مگر آنکه گروه اکثریت، تغییر نقش اجتماعی زنان را بپذیرد. برای پاسخ به سؤال پژوهش، بیش از ۱۲۰۰ پاره گفت در چارچوب نظری تجفل (۱۹۸۴) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های زبانی مؤید این مطلب است که به سبب تعامل اجتماعی فزاینده دو گروه جنسیتی، زبانگونه مخفی در سطح واژگانی بر زبانگونه جنسیتی دختران جوان غلبه داشته است تا آنجا که دختران جامعه نمونه این پژوهش با علم به هنجارگریزی زبانگونه مخفی، این گونه زبانی را نه تنها در تعاملات کلامی درون‌گروهی بلکه با شدت بیشتری در تعاملات بین‌گروهی به کار می‌برند تا بیش از آنکه فاصله گونه‌های زبانی و نقش‌های اجتماعی دوگروه جنسیتی را برجسته کنند با همسان‌سازی زبانی، نزدیک‌تر شدن نقش‌ها و تعاملات اجتماعی را نمود بخشند. رویکردی که امروزه نه در دراز مدت بلکه به سبب امکانات شبکه اینترنت و دیگر ابزار نوین ارتباطی می‌تواند در کوتاه مدت منجر به یک بازنگری اساسی در تعریف هنجارهای زبانی - اجتماعی جامعه شود.

منابع

- ترادگیل، پیتز (۱۳۷۶)، *زبان‌شناسی اجتماعی: درآمدی بر زبان و جامعه*، ترجمه محمد طباطبائی، تهران: نشر آگه.
- سمائی، مهدی (۱۳۸۲)، *فرهنگ لغات زبان مخفی*، تهران: نشر مرکز.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- Coulmas, F. (2005), *Sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Duranti, A., Ochs, E. and Schieffelin, B. (2012), *The hand book of language socialization*. Oxford: Wiley-Black Well.
- Jespersen, O. (1964), *Language: Its nature, development and origin*. New York: Norton.
- Meyerhoff, M. (2006), *Introducing sociolinguistics*. US. And Canada: Routledge.
- Milroy, L. and Milroy, J. (1980), *Language and social networks*. Oxford: Black Well.

- Romaine, S. (1984), *The language of children and Adolescents*. Oxford and New York: Basil Black Well.
- Schilling, N. (2013), *Key topics in sociolinguistics: Sociolinguistic fieldwork*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tajfel, H. (1984), *Differentiation between social groups: Studies in the social psychology of Inter group relations*. London: Academic Press.
- Ward haugh, R. (2010), *An introduction to sociolinguistics*. Oxford: Black Well.